

## نقش شیعیان فاطمی در جنگ‌های صلیبی

□ دکتر عبدالله ناصری طاهری\*

جنگ‌های صلیبی آن بخش از تاریخ اسلام و مسیحیت است که بیشتر از منظر غربی‌ها تحلیل شده و اروپاییان پیش و بیش از مسلمانان به بررسی و پژوهش در مورد آن پرداخته‌اند. مسلمانان خصوصاً نخبگان آن‌ها در قرون پنجم و ششم هجری، به جنگ‌های صلیبی، به عنوان یک حادثه درجه دوم نگاه کرده‌اند. این دیدگاه علاوه بر فرعی دانستن جنگ‌های صلیبی، در مدرسه تاریخ‌نگاری اسلامی هم اثر گذاشت و این تأثیر، در نادیده گرفتن نقش تاریخی اسماعیلیان متجلی شد، به طوری که مقاومت و پایداری فاطمیان مصر در مقابل صلیبی‌ها مورد غفلت قرار گرفت و حتی آن دولت به عنوان دعوت‌کننده صلیبی‌ها به مشرق زمین معرفی شد. این مقاله بر آن است تا با بهره برداری از متون و منابع تاریخی، نقش واقعی شیعیان فاطمی در جنگ‌های صلیبی را تبیین نماید.

**واژه‌های کلیدی:** اسماعیلیه، فاطمیان، جنگ‌های صلیبی، مسیحیت، بیت المقدس.

### پیش‌گفتار

اختلافات سیاسی بعد از درگذشت پیامبر (ص)، خود موضوع اساسی منازعات فکری و کلامی در قرون بعدی شد. هم‌چنین آشنایی مسلمانان قرون نخستین با اندیشه‌ها و آیین‌های تازه، سؤالات جدیدی را در اذهان شکل داد، به گونه‌ای که بخشی از افراد جامعه نسبت به بعضی از بنیان‌های اسلام شبهه نموده و جز گروهی از مردم که به دور از هر گونه منازعه فکری و سیاسی، روح معنویت را در خود تقویت کرده و در مسیر بزرگداشت «تصوف» دل خوش کردند، عموم مسلمانان با روی آوردن به دو حوزه فکری کلام و فقه سیاسی به اختلافات سیاسی دامن زده و آن را تشدید نمودند. اکثریت جامعه اسلامی با الهام از ماجرای «سقیفه» و جوب «اجتهاد» در مقابل «نص»، هر نوع حاکمیت اجتماعی را تأیید کردند. اقلیت جامعه نیز با رد این نظر و در پرتو نصوص دینی و بنوی، اعتقاد به امامت را پذیرفت. از اواسط قرن پنجم که این دیدگاه و نظریه‌ها در قالب کتب و رسائل تدوین و دست به دست شد و در کنار دو خلافت مدعی در بغداد و قاهره، دو دولت مقتدر سلجوقی و اسماعیلی با «درفش و دینار» و «برهان و برداشت» به ترویج و تحکیم این نظریه‌ها همت گماشتند، برگسترش بحران‌های داخلی افزوده شد و حکومت‌های توجیه‌گر دو نظریه، دغدغه بقای خویش را بیش از پیش نمایان کردند، به حدی که در هجوم گسترده صلیبی‌ها به سرزمین‌های شرقی جهان اسلام، مروجان نظریه نخست، دولت‌های طرفدار دومین دیدگاه را بیش از صلیبی‌ها دشمن داشتند. از سوی دیگر، اسماعیلیان - اعم از مستعلویان و نزاریان - که شاخص‌ترین بخش گروه دوم بودند، با تکیه بر فلسفه انسان‌شناسی و جهان‌شناسی خود، کتاب «اندیشه سیاسی» را حکیمانه به رشته تحریر در آورده و با اثرگذاری جدی بر فکر و اندیشه مردم، جغرافیای سیاسی - اجتماعی را بر هم زدند. اینان به علت وجود دوره یک صد و پنجاه ساله نخستین که در ادبیات اسماعیلی از آن به «دوره ستر» و در ادبیات

استشراق به «دوره کمون» تعبیر شده و آمیختگی واقعیت تاریخی با اسطوره، افسانه و حدس از مشخصات آن است، بیشتر از سایر فرقه‌ها محل مناقشه واقع شده‌اند. ضمن این‌که ابتکار عمل بخشی از جامعه اسماعیلی - نزاریان - در مقابله با مخالفان فکری و سیاسی خود به وسیله ترور باعث شد تا نگاه خصمانه اکثریت جامعه اسلامی به آنان تقویت شود، به حدی که نقش تاریخی این فرقه در جغرافیای اسلام، از جمله نقش آن‌ها در جنگ‌های صلیبی، به شایستگی دیده نشود.

شرق شناسان نیز این واقعیت تاریخی را کتمان کردند؛ زیرا خود در طول «جنگ‌های صلیبی» با ترور پادشاه صلیبی بیت المقدس و فرزند حاکم صلیبی انطاکیه و... به دست اسماعیلیان، از این حربه آسیب دیدند. ضمن این‌که اساس فعالیت‌های خاورشناسی و اسلام‌شناسی آنان با عبور از منابع اهل سنت شکل گرفته بود و ارائه تصویر خشن از نزاریان به عنوان جریان ملحد و بی‌دین و شاخ و برگ دادن به عقاید و خیال‌پردازی درباره هویت تاریخی آنان، نگرش تاریخی ایشان را بیشتر مغشوش کرد. در این میان، اسماعیلیان مستعلوی یا فاطمیان به عنوان یک نیروی قدرتمند سیاسی در مصر و بخش‌هایی از شام، بر اساس اندیشه دینی خود با صلیبیون جنگیدند و تا زمان انقراض دولتشان با این دشمنان اصلی مسلمین مصالحه و مسامحه نکردند.

### فاطمیان و جنگ صلیب

در اواخر قرن پنجم هجری با توجه به توسعه طلبی سلجوقیان، سلطه فاطمیان در شام رو به سستی گرایید و جز مناطق محدودی از ساحل مدیترانه در جنوب شام در اختیار آن‌ها نماند.<sup>(۱)</sup> سلجوقیان نیز همانند فاطمیان قصد داشتند حوزه فرمانروایی رقیب را شهر به شهر تسخیر کنند. آتسزبن اوق<sup>(۲)</sup> که فلسطین و سپس

دمشق را تصرف کرده بود، در سال ۱۰۷۷/۵۴۷۰ م. قصد مصر کرد، اما بدر الجمالی وزیر مقتدر فاطمی او را شکست داد.<sup>(۳)</sup> پس از مرگ ملکشاه سلجوقی، اکثر مناطق شام تحت نفوذ تتش فرزند البارسلان قرار داشت و او نیز فلسطین را به «أرتق» سپرد. در زمان درگیری صلیبیان در آسیای صغیر و شمال شام، فاطمیان از فرصت درگیری سلجوقیان با صلیبی‌ها استفاده کرده و فلسطین را از بنوارتق باز پس گرفتند.<sup>(۴)</sup> از این پس که مقارن نفوذ صلیبی‌ها به مناطق مرکزی و جنوبی شام است، نقش اسماعیلیان فاطمی در جنگ صلیب آشکار می‌شود.

### نخستین اتهام

از اتهامات تاریخی علیه فاطمیان، یکی همکاری افضل بن بدر جمالی وزیر دولت فاطمی با مهاجمان صلیبی علیه سلجوقیان است که توسط تاریخ‌نگاران اهل سنت و مورخان صلیبی بر کتاب تاریخ افزوده شده است. در میان تاریخ‌نگاران سنی مذهب ضد اسماعیلی می‌توان از ازدی،<sup>(۵)</sup> نویری،<sup>(۶)</sup> ابن خلدون،<sup>(۷)</sup> سیوطی،<sup>(۸)</sup> ابن تغری بردی<sup>(۹)</sup> و ابن اثیر نام برد. ابن اثیر که دیگران در این برداشت وام‌دار او هستند، این نظر را با تردید و با عبارت «الله اعلم» بیان کرده و درباره فاطمیان می‌نویسد: «... و ارسلاوا الی الفرنج یدعونهم الی الخروج الی الشام لیمکوه و یکنونوا بینهم و بین المسلمین، و الله اعلم».<sup>(۱۰)</sup>

از صلیبی‌ها نیز ریموند آگیل<sup>(۱۱)</sup> و ویلیان صوری<sup>(۱۲)</sup> بر حضور سفیران مصری نزد صلیبی‌ها در انطاکیه تأکید دارند و تاریخ‌نگاران معاصر نیز با برداشت از این دو منبع بر وجود پیمان همکاری و دوستی فاطمیان و صلیبی‌ها پای فشرده‌اند. رنه گروسه می‌گوید: «فاطمیان مصر که نمی‌توانستند تصرف فلسطین توسط ترکان را نادیده بگیرند، هنگامی که از نبرد میان فرنگیان با ترک‌ها در انطاکیه آگاه شدند فرصت را برای پس گرفتن استان فلسطین مغتنم شمردند. البته این اقدام خیانتی به اسلام بود، اما در آن زمان مقام وزارت اعظم توسط یک ارمنی مسلمان شده اشغال

شده بود که بدبختانه ایمان اسلامی بسیار ملایمی داشت. این وزیر از دین برگشته که متوجه شوق و ذوق صلیبیون برای گرفتن اورشلیم نبود، سفیری نزد فرنگی‌ها به انطاکیه فرستاد و پیشنهاد کرد برای تقسیم متصرفات ترک‌ها در سوریه و فلسطین پیمانی نظامی منعقد شود؛ به این ترتیب که انطاکیه و سوریه به فرنگیان و فلسطین و اورشلیم به مصر تعلق گیرد.

صلیبیون از رد این پیشنهاد خودداری کردند. با آن‌که هدف اصلی آن‌ها اورشلیم بود، از سفیر پذیرایی شایانی شد و دولت مصر را به شدت برای این کار تشویق کردند. هدف اصلی آنان تقسیم نیروهای اسلامی بود و تا زمانی که انطاکیه به تصرف درنیامده بود، روحیه ترک‌ها را با یادآوری حمله مصریان به فلسطین تضعیف می‌کردند. سرفرمانده صلیبیون، بسیار مؤدبانه، سیصد سر بریده ترک‌هایی را که در نزدیکی دریاچه انطاکیه کشته بودند به سفیر مصر تقدیم کرد البته برای استواری پیمان، هدیه ناقابلی بود. پس از آن، دیگر مصری‌ها تردید به خود راه نداده و به ترک‌های فلسطین حمله بردند و در ۲۶ اوت ۱۹۰۸ اورشلیم را از آن‌ها پس گرفتند».<sup>(۱۳)</sup>

رانسیمان نیز در این باره می‌نویسد: «آن‌گاه که صلیبیان هنوز در قسطنطنیه بودند، آلکسیوس به ایشان سفارش کرده بود که سعی نمایند به نحوی با دولت فاطمی مصر کنار آیند. فاطمیان از دشمنان آشتی‌ناپذیر ترکان بودند و با رعایای مسیحی هم کیش خود مدارا می‌کردند و گذشته از آن همواره آماده بودند تا با سلاطین عیسوی با راه سازش روند. از قرار معلوم صلیبیان این اندرز امپراطور را به گوش نگرفتند، اما در اوایل فصل بهار سفیرانی از طرف الافضل، صدراعظم مقتدر خلیفه خردسال وقت المستعلی، به لشکرگاه صلیبیان در برابر انطاکیه وارد شدند. به نظر می‌رسد که الافضل پیشنهادی مبنی بر تقسیم امپراطوری سلجوقیان کرده بود، بدین نحو که صلیبیان می‌بایست شمال شام را برداشته و فاطمیان فلسطین را از آن خود

می‌کردند. جای تردید نیست که الافضل صلیبیان را مگر سربازان مزدور امپراطور نمی‌پنداشت و با در نظر گرفتن اوضاع و احوال روز و احتمال حمله قریب‌الوقوع ترکان، مطمئن بود پیشنهادش را به جان و دل خواهند پذیرفت. سران باختری، سفیران دربار مصر را دوستانه پذیرفتند، اما خویشان را پای‌بند میثاقی معین نساختند. مصریان چند هفته‌ای در لشکرگاه صلیبیان به سر بردند، سپس به همراه هیأت کوچکی از نمایندگان فرانک‌ها، با پیش‌کشی‌های بسیار که عمده‌اش غنائم پیروزی ششم مارس بود، راه بازگشت به میهن خود را در پیش گرفتند.<sup>(۱۴)</sup>

«هامیلتون گیپ» نیز که به ارسال سفیر از سوی فاطمیان نزد صلیبی‌ها اشاره کرده، تأکید می‌کند که اهل صلیب پاسخ سفیر فاطمی را با اصرار به حمله به بیت‌المقدس دادند.<sup>(۱۵)</sup> منابع غربی از سفارت دوم افضل بن بدر جمالی به صلیبی‌ها در تاریخ ۲۰ جمادی‌الاول ۱۰/۴۹۲ آوریل ۱۰۹۹. در منطقه عرقه<sup>(۱۶)</sup> سخن گفته‌اند،<sup>(۱۷)</sup> در صورتی که اولاً: هیچ یک از متون اسلامی در مورد این سفارت سخنی نگفته‌اند، و ثانیاً: در میان منابع صلیبی، «فوجه دچارت» تاریخ‌نگار همراه و معاصر جنگ اول صلیبی در کتاب خود به هیچ یک از این دو سفارت اشاره نکرده است. آنچه مسلم است این است که افضل بن بدر جمالی وزیر فاطمیان پس از آن‌که پی به انگیزه حقیقی صلیبی‌ها برد، در مقابل آن‌ها ایستاد و در صحنه‌های متعددی با آن‌ها جنگید.<sup>(۱۸)</sup>

### فاطمیان در برابر تهاجم صلیبی

پس از محاصره بیت‌المقدس توسط صلیبی‌ها، افتخارالدوله حاکم فاطمی شهر، سیاست دفاعی خود را تقویت کرد و دستور داد به منظور تشدید فشار علیه صلیبی‌ها، آب‌چاه‌ها و چشمه‌ها جز چشمه «سلوان»<sup>(۱۹)</sup> را سم‌آلود کنند. به گفته ویلیام صوری، این سیاست به منزله ایجاد مانع بزرگی در مقابل صلیبی‌ها بود.<sup>(۲۰)</sup>

حاکم بیت المقدس نیز مسیحیان ساکن شهر را اخراج کرد.<sup>(۲۱)</sup>

محاصره صلیبی ها و مقاومت مسلمانان در درون شهر تشدید می شد. در این هنگام تعداد کشتی های جنگی «ژنوایی» به فرماندهی دو برادر ماجراجو «ویلیام امبریاچو»<sup>(۲۲)</sup> و «پریموس امبریاچو»<sup>(۲۳)</sup> به بندر «یافا»<sup>(۲۴)</sup> رسید و آن جا را اشغال کرد.<sup>(۲۵)</sup> در مقابل این تهاجم و در تاریخ شعبان ۱۰۹۹/۴۹۲ م. افضل بن بدر جمالی با سپاهی بزرگ از مصر بیرون آمد تا محاصره قدس را بشکند.<sup>(۲۶)</sup> ابن قلانسی در این باره می گوید: «و انتهت اليهم خروج الافضل من مصر في العساكر الدثرة لجهادهم».<sup>(۲۷)</sup>

پس از چندین روز محاصره و تبادل آتش، بیت المقدس در ۲۲ شعبان ۱۵/۴۹۲ ژوئیه ۱۰۹۹ سقوط کرد.<sup>(۲۸)</sup> اقرار تاریخ نگاران صلیبی معاصر جنگ ها<sup>(۲۹)</sup> بر کشتار بی رحمانه ساکنان این شهر، نظر رانسیمان تاریخ پژوه معاصر غربی را تأیید می نماید:

«صلیبیان که بعد از آن همه بدبختی و رنج، مستی این پیروزی عظیم عقلشان را زایل کرده بود بی محابا به خیابان ها و کوی و برزن و مساجد و خانه ها ریخته، هر که را دیدند، از زن و مرد و کودک، بی دریغ به قتل رساندند. سرتاسر بعد از ظهر و شب آن روز کشتار مردم ادامه داشت و پرچم تانکرد مهر امان پناهندگان مسجد الاقصی نشد. بامدادان روز بعد، گروهی از سربازان به قهر به مسجد درآمده، تیغ در پناهندگان نهادند».<sup>(۳۰)</sup>

### فاطمیان پس از سقوط بیت المقدس

افضل بن بدر جمالی که با سپاهی مجهز روانه فلسطین شده بود در عسقلان خیمه زد.<sup>(۳۱)</sup> سپاه صلیبی در سه گروه متشکل و مستقل به فرماندهی گودفروا، روبرت نورمندی و ریمون سن ژیلی در «سهل مجدل»<sup>(۳۲)</sup> اردو زد و در نوزدهم

رمضان ۴۹۲/ دوازدهم اگوست ۱۰۹۹. به سپاه فاطمی حمله برد<sup>(۳۳)</sup> و آن را شکست داد.<sup>(۳۴)</sup>

تاریخ‌نگاران قدیم و جدید علت شکست فاطمیان در این جنگ را ناهمگونی ارتش آن‌ها می‌دانند.<sup>(۳۵)</sup> با این تجربه، طبیعی بود که افضل جمالی برای سازمان جدید نیروی جنگی خود برنامه‌ریزی کند. او تصمیم گرفت سپاه جدیدی به نام «حُجْرَیَه» که بنا به نظر ابن خلکان تا حدود زیادی شبیه دو سپاه صلیبی «شهبسواران پرستشگاه» و «مهمان‌نوازان» بود<sup>(۳۶)</sup> تأسیس کند و پس از آن، نظامیان سازمان یافته دیگری به نام «ترابی» و «افضلیه» تشکیل دهد. صلیبی‌های پیروز بعد از نبرد اخیر، دشت‌های منطقه وسطای فلسطین یا «الجلیل» به مرکزیت «طبریه»<sup>(۳۷)</sup> را اشغال و امیرنشین جدیدالجلیل<sup>(۳۸)</sup> را تابع دولت صلیبی بیت‌المقدس تأسیس کردند. گودفروا بندر «ارسوف»<sup>(۳۹)</sup> در شمال یافا را در ذی‌الحجه ۴۹۲/ اکتبر ۱۰۹۹. اشغال کرد.

بندر سوق‌الجیشی «یافا» که به منزله دریچه دریای مدیترانه محسوب می‌شد<sup>(۴۰)</sup> برای صلیبی‌ها اهمیت خاصی داشت. اشغال این بندر و تقویت پایگاه‌های دفاعی آن را از سوی صلیبی‌ها به کمک نیروی دریایی جمهوری‌های سه‌گانه ژنوا، پیزا و نیز<sup>(۴۱)</sup> و پس از آن، سقوط «حیفا»<sup>(۴۲)</sup> در اوت ۱۱۰۰.<sup>(۴۳)</sup> و قیساریه در ۴۹۴/ ۱۱۰۱ م. که با قتل عام ساکنان مسلمان توسط صلیبی‌ها از اختیار فاطمیان خارج شد، زمینه تقویت دولت صلیبی در شام را فراهم کرد. پس از این مرحله و در نخستین روز رمضان ۴۹۴/ اول ژوئیه ۱۱۰۱. سپاه قدرتمند فاطمی به فرماندهی «سعدالدوله قواص» به عسقلان رسید.<sup>(۴۴)</sup> دو سپاه در محدوده عسقلان و در نزدیکی دهکده «ینه»<sup>(۴۵)</sup> به نبرد ایستادند. تاریخ‌پژوه مسلمان و معاصر نبرد عسقلان را که به جنگ اول رمله مشهور است، چنین توصیف می‌کند: «فرماندهان فاطمی پس از تجمع این نیروها، بلافاصله جنگ با دشمن را شروع نکردند، بلکه



مدتی طولانی بدون انجام هیچ اقدامی در عسقلان باقی ماندند. البته این وقت‌گذرانی‌ها شاید به این دلیل بود که آن‌ها در انتظار وصول کمک‌های تازه یا کسب اطلاعات از موقعیت دشمن بودند، یا شاید هم واقعاً از جنگیدن با صلیبیان می‌ترسیدند. اما به هر حال، صلیبیان از این موقعیت سوء استفاده کردند و بُدوئن اول، شاه بیت‌المقدس، در این فرصت خود را از هر جهت آماده کرد و به جمع‌آوری نیرو و پرداخت و برنامه‌ای حساب شده برای مقابله با فاطمیان طراحی کرد، به خصوص که فهمیده بود هدف فاطمیان تصرف «قدس» است... دو لشکر در صبح روز ۱۱۰۱/۹/۷م/۴۹۴هـ، در دشتی واقع در جنوب غربی شهر رمله رو در روی یکدیگر قرار گرفتند؛ پس فرنگان به مسلمانان حمله کردند و آنان را شکست دادند.<sup>(۴۶)</sup>

پس از آن که «المستعلی بالله» خلیفه فاطمی مصر در هفدهم صفر ۱۱۰۱/۴۹۵م. درگذشت و فرزند خردسال او «الامر باحکام الله» جانشین پدر شد،<sup>(۴۷)</sup> افضل به عنوان حاکم مطلق، سپاهی دیگر به فرماندهی پسرش «شرف‌المعالی» به فلسطین فرستاد.<sup>(۴۸)</sup> دو نیروی فاطمی و صلیبی در نزدیکی رمله در برابر هم صف کشیدند: «پس فرنگان شکست خورد و تعداد زیادی از آنان کشته شدند و کسانی از آن‌ها که زنده ماندند اسیر گشتند».<sup>(۴۹)</sup>

سقوط بندر «عکا» در سال ۱۱۰۴/۴۹۷هـ. به دست بالدوین که با کمک نیروی دریایی ژنوا صورت گرفت،<sup>(۵۰)</sup> افضل را وادار کرد تا یکی دیگر از حملات گسترده خود علیه صلیبی‌ها را که آخرین حمله بزرگ او بود سازمان دهد. او به رغم اختلافات ریشه‌دار عقیدتی با دولت‌ها و حکام سنی مذهب شام، از آن‌ها کمک خواست. پیش از این و در سال ۱۱۰۱/۴۹۵م دقاق‌بن تتش سلجوقی صاحب دمشق از یاری او خودداری کرد،<sup>(۵۱)</sup> اما در این مرحله «طغتکین» اتابک دمشق با او همراهی نمود.<sup>(۵۲)</sup>

ابن قلانسی این نبرد را که به نام «جنگ سوم رمله» معروف است این‌گونه تصویر می‌کند: «و التقی الفریقان فی رابع عشر ذی الحجة من السنة، فیما بین یافا و عسقلان، فاستظهر الفرنج علی المسلمین و قتلوا و الی عسقلان و اسروا بعض المقدمین و انهزم عسکر مصر الی عسقلان و عسکر دمشق الی بصری، و قیل ان الذین قتلوا من المسلمین بازاء الدین قتلوا من المشرکین».<sup>(۵۳)</sup>

در این نبرد، امیران فاطمی عکا و ارسوف اسیر شدند<sup>(۵۴)</sup> و بدین ترتیب با اشغال بنادر و شهرهای ساحلی شام توسط صلیبی‌ها و خصوصاً بندر مهمی چون عکا، بازرگانی دولت‌های اسلامی هم آسیب دید. به گفته رنه گروسه: «اشغال سواحل فلسطین توسط فرنگی‌ها باعث آشفته‌گی روابط بازرگانی کشورهای اسلامی شد. کاروان‌هایی که میان قاهره و دمشق یا بغداد رفت و آمد می‌کردند ناچار شدند از میان بیابان‌های بی‌آب و علف ایدومه و جنوب بحرالمیت عبور کنند و سپس به سوی شرق رود اردن در ماورای اردن بروند. به روایت وقایع‌نویسان آن زمان، یکی از این کاروان‌ها که از مصر آمده بود، در تاریکی و سکوت شب در نزدیکی رود اردن توقف کرد. شاه بدوئن که به وسیله مراقبان خود آگاه شده بود، نیمه شب با شصت سوار به کنار رودخانه رسید و کاروان را توقیف کرد».<sup>(۵۵)</sup>

دکتر صالح نوار محقق معاصر مصری شکست سپاه فاطمی در مقابل صلیبی‌ها را این‌چنین تحلیل می‌کند که. اولاً: افضل بن بدر جمالی به عنوان فرمانده کل جنگ، پس از درگذشت مخدومش المستعلی و جانشینی فرزند خردسال او الامر باحکام‌الله و با توجه به نقش مهمی که در هدایت دولت فاطمی داشت و برای حفظ کیان سیاسی خود، ناگزیر بود از همراهی سپاه در فلسطین خودداری کرده و در قاهره بماند. طبعاً عدم حضور او در صحنه کارزار ضایعه‌ای بزرگ تلقی می‌شد. خصوصاً در نبرد دوم و سوم رمله که فرماندهی با فرزندان او «شرف المعالی» و «سناالملک» بود علاقه‌مندی آن دو به بقا و ادامه حیات و تأثیرپذیری نظامیان از آن

دو باعث شد تا سپاه فاطمی نتواند مقاومت چندانی نماید. ثانیاً: عدم انسجام سپاه فاطمی و تنوع جنسیت آن مانند عرب، بربر، ارمن، حبش و ترک که بیشتر شبیه یک نیروی جنگنده مزدور بود تا یک ارتش مقتدر منسجم، عامل دیگری در ضعف نظامی فاطمیان بود و همان طور که ابن فرات در کتاب «تاریخ الدول و الملوک» آورده، علت شکست افضل سپاهیان او بودند. ثالثاً: نیروی دریایی فاطمیان که از دوران «المعز لدین الله» تا عصر «المستنصر بالله» قوی ترین ناوگان دریایی مدیترانه را داشت، پس از شروع جنگ های صلیبی که مقارن با دوره جانشینان المستنصر بالله و دوره ضعف فاطمیان بود، رو به ضعف و سستی نهاده بود. رابعاً: انگیزه قوی و یک پارچه صلیبی ها در حفظ مرکزیت بیت المقدس به عنوان پایگاه دینی آن ها در شرق، از یک سوی، و کمک های پی در پی ناوگان دریایی جمهوری های سه گانه ایتالیا ژنوا، پیزا و ونیز از سوی دیگر بنیه نظامی صلیبی ها را تقویت می کرد.<sup>(۵۶)</sup>

### ادامه نبرد

حضور فاطمیان و هواداران آن ها در منطقه وسیعی از شمال حیفا در فلسطین تا بندر لاذقیه،<sup>(۵۷)</sup> بلدوین پادشاه صلیبی بیت المقدس را بر آن داشت تا به تقویت بنیه دفاعی ممالک خود بیاندیشد و این امر، به گفته رانسیمان، مستلزم تجاوز به قلمروهای دیگران بود.<sup>(۵۸)</sup> طرابلس<sup>(۵۹)</sup> که تحت سلطه مشروطه سلسله شیعی بنوعمار بود یکی از مهم ترین و حساس ترین پایگاه های دریایی فاطمیان محسوب می شد و صلیبی ها پس از اشغال انطاکیه و رها، در آروزی دست یابی به آن بودند. ریمون سن ژیلی (صنجیلی)<sup>(۶۰)</sup> امیر انطاکیه پس از آن که طرطوس،<sup>(۶۱)</sup> بندر دیگری از ساحل مدیترانه، را در ۱۱۰۲/هـ ۴۹۵م. اشغال کرد، بر اشغال طرابلس اصرار نمود. او توانست پس از جنگ و گریزهای چند ساله و با ساخت قلعه ای<sup>(۶۲)</sup> در نزدیکی شهر طرابلس، زمینه سقوط این شهر را فراهم کند. اگر چه او در ۴

جمادی‌الثانی ۲۸/۴۹۸ فوریه ۱۱۰۵. مرد، اما جانشینش ویلیام ژردان<sup>(۶۳)</sup> (ویلیام سرداگنی) محاصره شهر را با کمک حاکم بیزانسی قبرس<sup>(۶۴)</sup> کامل نمود. مردم طرابلس از افضل بن بدر یاری خواستند<sup>(۶۵)</sup> و ارتش فاطمی به قصد دفاع از آن‌ها روانه طرابلس شد، اما صلیبی‌ها با کمک ناوگان قدرتمند دریایی ژنوا که حدود شش سال قبل و به فرماندهی دو برادر ماجراجوی دریایی<sup>(۶۶)</sup> در بندر لاذقیه لنگر گرفته بود، قبل از آن‌که نیروی کمکی مصر به سواحل طرابلس برسد شهر را اشغال کردند.<sup>(۶۷)</sup> با اشغال طرابلس که مسلمانان و خصوصاً شامیان را اندوهگین کرد،<sup>(۶۸)</sup> امیرنشین صلیبی طرابلس به دست کنت تولوز<sup>(۶۹)</sup> تأسیس شد. یکی دیگر از بنادر مهم که صلیبی‌ها را به اشغال آن تحریک می‌کرد بیروت بود. صلیبی‌ها در مسیر حرکت به بیت‌المقدس در سال ۱۰۹۹/۴۹۲ م. قصد اشغال بیروت را داشتند، اما والی شهر با ارسال هدایا و اموال بسیار مانع تعرض آن‌ها شد.<sup>(۷۰)</sup> در سال ۱۱۰۲/۴۹۵ م. نیز بالدوین به رغم محاصره طولانی شهر نتوانست آن را اشغال کند،<sup>(۷۱)</sup> ولی در سال ۱۱۱۰/۵۰۳ م با کمک ژوسلین صاحب «تل باشر»<sup>(۷۲)</sup> حصار سختی برای بیروت فراهم کرد.

هر چند وزیر دولت فاطمی، افضل بن بدر جمالی، نیروی دریایی قدرتمندی برای مقابله با صلیبی‌ها فرستاد و این نیرو مقاومتی سرسخت و مورد ستایش تاریخ‌نگاران صلیبی<sup>(۷۳)</sup> از خود نشان داد، اما بالدوین با کمک سپاه دریایی ژنوا و پیزا و هم‌چنین نیروهای مسیحی ساکن منطقه، از جمله مارونی‌ها، توانست به هدف خود دست یافته و با کشتن فرمانده نیروی دریایی مصریان و قتل‌عام سایر افراد، بیروت را در سال ۱۱۱۱/۵۰۳ م. اشغال کند.<sup>(۷۴)</sup> بندر صیدا نیز سرنوشت مشابهی داشت؛ در سال ۱۱۰۷/۵۰۱ م. بالدوین با کمک کشتی‌های جنگی ژنوایی صیدا را محاصره کرد<sup>(۷۵)</sup> و ارتش مصر چنان شکستی بر سپاهیان آن تحمیل کرد که بنا به گزارش ابن فرات، در قاهره مرکز خلافت فاطمی از خوشحالی و سرور جشنی

بزرگ برپا شد.<sup>(۷۶)</sup>

صلیبی‌ها در اوایل سال ۱۱۱۱/۵۵۰۴م. با کمک ناوگان قوی «ونیز» به فرماندهی دوک ونیز<sup>(۷۷)</sup> حصار صیدا را تنگ‌تر کرده و به رغم مقاومت نیروهای فاطمی، این بندر نیز پس از چهل و هفت روز در نوزدهم جمادی‌الاول ۱۹/۵۰۴ اکتبر ۱۱۱۴. سقوط کرد.<sup>(۷۸)</sup> اینک تمامی بنادر سواحل شام و فلسطین به جز عسقلان<sup>(۷۹)</sup> و صور<sup>(۸۰)</sup> در اختیار صلیبی‌ها بود؛ بنابراین، خطری جدی از یک سو دمشق و از سوی دیگر قاهره پایتخت فاطمیان را تهدید می‌کرد. صور یک پایگاه استراتژیک دریایی برای فاطمیان به حساب می‌آمد و پس از اشغال بیت‌المقدس و سایر نواحی جنوبی شام، به عنوان یک خطر جدی برای صلیبی‌ها تلقی می‌شد. تاریخ‌نگار صلیبی معاصر و همراه جنگ اول صلیبی، صور را پایگاه بزرگ دریایی فاطمیان و دردسر بزرگ فرنگی‌ها دانسته است؛<sup>(۸۱)</sup> زیرا موقعیت جغرافیایی این بندر بر اهمیت سیاسی و نظامی آن می‌افزود.

«آناکومنن»<sup>(۸۲)</sup> در کتاب خود «آلکسیاد» که ترجمه احوال امپراتور بیزانس الکسیوس و یکی از منابع مسیحیت شرقی درباره جنگ صلیب است، این‌گونه نظر می‌دهد: موقعیت طبیعی بندر صور باعث شد تا این شهر سال‌ها در برابر صلیبی‌ها مقاومت کند.<sup>(۸۳)</sup> ویلیام صوری نیز در مورد زادگاه خود بر زیبایی و منحصر به فرد بودن طبیعتش تأکید دارد<sup>(۸۴)</sup> و وجه تمایز صور را دژبندی و استحکامات دفاعی آن دانسته<sup>(۸۵)</sup> و می‌نویسد: «و کانت مدینه صور بالنسبته لامیر مصر هی المدینه الانفس والاكثر انسجاماً بسبب میزاتها الکثیرة و دفاعاتها القویة».<sup>(۸۶)</sup>

در سال ۱۱۰۶/۵۵۰۰م. امیر صلیبی به صور حمله کرد، اما موفق به فتح آن نشد.<sup>(۸۷)</sup> و پس از آن و همانند روش «سن ژیل» که برای غلبه بر طرابلس در نزدیکی آن قلعه‌ای ساخته بود، از نیز دژ تبنین<sup>(۸۸)</sup> را بنا کرد. در پی آن، بالدوین پادشاه بیت‌المقدس نیز در سال ۱۱۰۸/۵۵۰۱م. قلعه‌ای دیگر مشرف بر صور به نام «تل

المعشوقه» ساخت.<sup>(۸۹)</sup> افضل در سال ۱۱۰۹/۵۰۲م. ناوگان بزرگی برای نجات شهر فرستاد که به گفته ابن قلانسی: «و لم یکن خرج للمصریین فیما تقدم مثله کثرة رجال و مراکب و عدد و غلال».<sup>(۹۰)</sup>

سه سال پس از این واقعه و بعد از اشغال بندر صیدا، صلیبی‌ها با کمک ناوگان دریایی بیزانس صور را محاصره کردند. والی فاطمی شهر «عزالملک انوشتکین»<sup>(۹۱)</sup> از قاهره یاری خواست، اما افضل به علت وبای شدیدی که در مصر رواج یافته بود<sup>(۹۲)</sup> نتوانست خواسته او را اجابت نماید؛ زیرا غالباً در طول تاریخ مصر هرگاه قحطی، وبا، خشکسالی و بحران‌های طبیعی دیگر - که کم هم نبوده - رخ می‌داد، تحرکات سیاسی و نظامی مختل می‌شد.

با همراهی طغتنکین اتابک دمشق، والی فاطمی صور توانست دشمن صلیبی را از شهر دور کند و با انعقاد پیمان دوستی دو دولت شیعی و سنی قاهره و دمشق که ناسازگاری آن‌ها در آغاز جنگ صلیب سلطه صلیبی‌ها را هموار کرده بود، بندر حساس و استراتژیک صور بیش از یک دهه دیگر در دست مسلمین باقی ماند، هر چند صلیبی‌ها در سال ۱۱۲۴/۵۱۸م. و در عصر وزارت مأمون بطائحی جانشین افضل توانستند آن را بدون درگیری اشغال کنند.<sup>(۹۳)</sup>

### آخرین پایگاه فاطمیان در شام

عسقلان یا عروس شام<sup>(۹۴)</sup> در جنوب بیت‌المقدس، از زمان اشغال قدس شریف توسط صلیبی‌ها تهدیدی جدی علیه دولت صلیبی بیت‌المقدس بود. پس از مرگ «گودفروا» و جانشینی بالدوین، صلیبی‌ها توجه خود را به این بندر معطوف کردند. فاطمیان نیز به عروس شام اهتمامی خاص داشتند و به گفته «دوگان»، افضل و جانشینانش عسقلان را مرکز نظامی خود در شمال می‌دانستند.<sup>(۹۵)</sup> مقریزی معتقد است از نظر فاطمیان، عسقلان برتر از دمشق بود<sup>(۹۶)</sup> و پس از آن‌که شهرهای مهم

ساحل مدیترانه یکی پس از دیگری به اشغال صلیبی‌ها درآمد، تقویت بنیه نظامی آن بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. صلیبی‌ها از سال ۵۰۴/۱۱۱۱م. تصمیم به اشغال عسقلان گرفتند. در این زمان حکومت شهر به دست شمس‌الخلافة نامی بود.<sup>(۹۷)</sup> این حاکم از آن‌جا که به تجارت راغب‌تر بود تا جنگ،<sup>(۹۸)</sup> بیشتر به آرامش شهر فکر می‌کرد، لذا به دور از چشم وزیر و خلیفه فاطمی با صلیبی‌ها وارد مذاکره شد.<sup>(۹۹)</sup>

تدبیر افضل بن بدر جمالی<sup>(۱۰۰)</sup> مانع سقوط عسقلان و خارج شدن آن از حیطه نفوذ دولت قاهره گردید. افضل به منظور انتقام از صلیبی‌ها یک بار در سال ۵۰۶/۱۱۱۳م. و به هنگامی که بالدوین با «مودود» اتابک موصل درگیر بود، از پایگاه عسقلان به بیت‌المقدس حمله کرد ولی ناکام ماند، و بار دیگر در ربیع‌الاول ۵۰۹/آگوست ۱۱۱۵. زمانی که پادشاه صلیبی در شمال شام با سلجوقیان می‌جنگید، از عسقلان به یافالشکر کشید؛ در این حمله نیز اگر چه به صلیبی‌ها خساراتی وارد شد، اما فاطمیان مجبور شدند به عسقلان باز گردند.<sup>(۱۰۱)</sup> بالدوین همان سیاست قلعه سازی و تحکیم مواضع دفاعی و نظامی را دنبال کرد. در سال ۵۰۹/۱۱۱۵م. قلعه «حصن الشوبک»<sup>(۱۰۲)</sup> را در نزدیکی عسقلان ساخت تا راه تجاری و نظامی دمشق - مصر را تهدید کند.<sup>(۱۰۳)</sup> در این سال‌ها که مصادف با دهه‌های آخر حکومت فاطمیان بود و بعد از قتل افضل بن بدر جمالی که قدرت فائقه‌اش او را به شاهنشاه ملقب کرده بود، وزیران فاطمی قدرت گذشته را نداشتند و همین امر باعث شد تا آخرین پایگاه فاطمیان در شام یعنی عسقلان در سال ۵۴۸/۱۱۵۳م سقوط کند.<sup>(۱۰۴)</sup>

اگر چه رنه گروسه معتقد است با پیروزی صلیبی‌ها بر عسقلان، برنامه جنگ‌های صلیبی تکمیل شد، اما باید گفت در نگاه صلیبی‌ها هنوز امنیت بیت‌المقدس از ناحیه مصر تهدید می‌شد و به همین جهت مدت کمی پس از اشغال عسقلان،

حمله به مصر را آغاز کردند. در فاصله سقوط عسقلان و حمله صلیبی‌ها به مصر، طلائع بن رزیک وزیر فاطمی به چند اقدام نظامی علیه صلیبی‌ها دست زد؛ از جمله در سال ۱۵۸/۵۵۳م در «غزه» و «الخلیل» به صلیبی‌ها شلیخون زد.<sup>(۱۰۵)</sup> به علت حملات پی‌درپی او به صلیبی‌ها، مقریزی به او لقب «ابوالغارات» داده است.<sup>(۱۰۶)</sup> او معتقد بود غلبه بر صلیبی‌ها جز با اتحاد دمشق و قاهره مقدور نیست؛ به همین علت در این زمینه با نورالدین زنکی مکاتباتی انجام داد.<sup>(۱۰۷)</sup> این وزیر با کفایت فاطمی که شاعری چیره‌دست نیز بود، با اشعارش نورالدین زنکی و سایر امرای شام را به نبرد با صلیبی‌ها تحریک کرد و حتی نورالدین سنی مذهب را به خاطر پیروزی‌هایش ستود<sup>(۱۰۸)</sup> و این نشان می‌دهد که نگاه دولتمردان فاطمی به جنگ صلیب بیشتر نگاهی عقیدتی بوده است تا سیاسی.

آن‌چه در تاریخ جنگ صلیب قابل تأمل است این است که بزرگان شیعی مذهب شام، مصر و عراق به رغم خصومت و درگیری دیرینه میان شیعه و سنی، در برخورد با صلیبی‌ها مصالح کلی مسلمین را ترجیح می‌دادند. این امر در موضع‌گیری ابن منیر طرابلسی در اشعارش کاملاً هویدا می‌باشد.<sup>(۱۰۹)</sup> ابن منیر حتی زمانی که معین‌الدین اُنُر<sup>(۱۱۰)</sup> حکمران دمشق در مصاف با نورالدین از صلیبی‌ها کمک می‌طلبید، او را تقبیح کرده و از نورالدین متعصب ضد شیعه می‌خواهد با او جنگ نماید.<sup>(۱۱۱)</sup> هم‌چنین محمدبن اسعدبن علی حلبی جوانی که از علویان نَسَّابه و از نسل امام سجاد است،<sup>(۱۱۲)</sup> صلاح‌الدین ایوبی را به علت پیروزی و فتح بیت‌المقدس ستایش می‌کند و قصیده‌ای بلند در وصف قدس و صلاح‌الدین می‌سراید.<sup>(۱۱۳)</sup>

### اسماعیلیان مصر (فاطمیان) در معرض تهاجم

با آزادسازی رها یا ادسا به عنوان امیرنشین صلیبی توسط عمادالدین زنکی - اتابک موصل - در سال ۱۴۴/۵۳۹م. و ادامه یافتن جهاد ضد صلیبی از سوی



فرزندش نورالدین، توجه صلیبی‌ها به سمت جنوب معطوف شد. از سوی دیگر، نورالدین برای آزادسازی سایر شهرهای اشغال شده، به ضرورت یک پارچگی جغرافیایی شام از دمشق تا حلب فکر می‌کرد. در بخش دیگر جغرافیای اسلامی یعنی مصر هم طلائع بن رزیک وزیر ضد صلیبی فاطمیان تنها راه‌هایی از خطر صلیبی‌ها را اتحاد دمشق و قاهره می‌دانست و با این دیدگاه، مکاتبات خود را با نورالدین زنگی آغاز کرد،<sup>(۱۱۴)</sup> هر چند نورالدین نپذیرفت.

طلائع بن رزیک در سال ۱۱۵۷/۵۵۲م. با دو مرحله لشکرکشی به اردن و تحمیل ضربات سنگین بر صلیبی‌ها، به قاهره بازگشت.<sup>(۱۱۵)</sup> حملات دوباره او در سال بعد، صلیبی‌ها را به تقاضای آتش بس واداشت.<sup>(۱۱۶)</sup> «شاووربن مجیر سعدی» که دشمن خاندان ابن زریک بود، وزارت مصر را عهده‌دار شد و از آن‌جا که «امر مصر فی وزارتہ فی ادبار»،<sup>(۱۱۷)</sup> «ضرغام بن عامر لخمی» رقیب او قدرت را به دست گرفت و شاوور مجبور شد از نورالدین کمک بخواهد.<sup>(۱۱۸)</sup> در همین ایام، آموری کنت یافا و عسقلان به عنوان جانشین بالدوین سوم پادشاه بیت المقدس شد و چون بیش از دیگر پادشاهان صلیبی اهمیت بازرگانی مصر را می‌دانست،<sup>(۱۱۹)</sup> در شوال ۵۵۸/سپتامبر ۱۱۶۳. به آن سرزمین حمله کرد، اما مقاومت ضرغام باعث شد که او بدون دست‌یابی به نتیجه، باز گردد.<sup>(۱۲۰)</sup>

اگرچه پادشاه صلیبی در این تهاجم از فاطمیان شکست خورد، اما به نکات مهمی از جمله ضعف دولت اسماعیلی مصر به علت نزاع و خصومت وزیران، ضعف روحیه نظامی‌گری بین سپاهیان، ثروت طبیعی مصر و امکان جذب مسیحیان قبطی در آن سرزمین پی برد، که همه آن‌ها از عوامل تحریک‌کننده آموری برای حمله مجدد به مصر بود. شاوور به نورالدین قول داده بود که در صورت پشتیبانی از او، اولاً: ثلث خراج مصر را به اتابک زنگی بدهد؛ ثانیاً: حقوق سپاهیان نورالدین را پرداخت کند؛ ثانیاً: سیادت و سروری نورالدین بر مصر را بپذیرد.<sup>(۱۲۱)</sup>

نورالدین زنکی که سلطه بر مصر را ضروری می‌دانست، سپاهی را به فرماندهی «اسدالدین شیرکوه»<sup>(۱۲۲)</sup> به مصر فرستاد و با قتل ضرغام، مصر را در اختیار رقیبش شاور قرار داد.<sup>(۱۲۳)</sup> شاور از همان ابتدا پیمان خود با نورالدین و شیرکوه را نقض کرده و از دادن خراج به دولت زنکی خودداری نمود<sup>(۱۲۴)</sup> و با صلیبی‌ها وارد مذاکره شد.<sup>(۱۲۵)</sup> وی به صلیبی‌ها اطمینان داد که در صورت اعزام نیرو به مصر، علاوه بر پرداخت بیست و هفت هزار دینار، علوفه اسب‌های شهسواران مهمان‌نواز را تأمین خواهد کرد.<sup>(۱۲۶)</sup> مقریزی معتقد است نورالدین محمود زنکی از آغاز نسبت به پیمان‌داری «شاور» تردید داشت.<sup>(۱۲۷)</sup> صلیبی‌ها که وحدت مصر و شام را برای خود خطرناک می‌دانستند، و به گفته ابن واصل «انهم قد خافوا خوفاً شديداً اذا ما تحقق ذلك و ايقنوا بالهلاک، و ان بلادهم تستأصل»،<sup>(۱۲۸)</sup> تقاضای شاور را پذیرفتند و سپاه شیرکوه را که در «بلبیس»<sup>(۱۲۹)</sup> اردو زده بود محاصره کردند. این محاصره با ترک مصر از سوی دو سپاه صلیبی و شیرکوه بدون درگیری پایان یافت.<sup>(۱۳۰)</sup>

رانسیمان با استناد به اقوال «ویلیام صوری»، «ابن اثیر» و «ابوشامه» در این باره چنین گفته است: «دو سپاه مسلمان و مسیحی در دو مسیر جداگانه موازی از شبه جزیره سینا گذشته و مصر را به شاور واگذار نمودند. شیرکوه آخرین فرد از سپاه خود بود که از مصر پا بیرون نهاد. آن‌گاه که به قصد بدرود نزد فرنگان آمده بود یکی از تازه‌واردان باختری از او پرسید که مگر از امکان خیانت بیمناک نیست و شیرکوه با سرفرازی پاسخ داد که در چنین صورتی سربازانش همه به کین خواهی برخوانند خاست و آن مرد فرنگی در جواب گفت حال درمی‌یابد که چرا صلیبیان برای او این‌همه قدر و منزلت قائلند.» اما اتابک زنکی و فرمانده نظامی او شیرکوه نمی‌توانست دل از مصر ببرد. موقعیت استراتژیکی مصر، حاصل‌خیزی آن سرزمین و نگاه تعصب‌آمیز به شیعیان فاطمی، به علاوه ضرورت یکپارچگی جغرافیای نیل تا فرات و لزوم گوش مالی شاور که به او خیانت کرده بود، ذهن نورالدین را مشغول

نموده بود؛ بنابراین، طبیعی بود که وی به مصر لشکرکشی کند.<sup>(۱۳۱)</sup> در حمله او در سال ۱۶۷/۵۶۳ م. شاور مجدداً از آموری کمک خواست. پادشاه صلیبی بیت المقدس همه نجبارا فرا خواند و به آنها گفت: «اگر نورالدین که بر همه سوریه اسلامی فرمانروایی می کند مصر را تصرف کند، همه سرزمین های فرنگی از دو سو در محاصره قرار خواهند گرفت و به زودی سوریه فرنگی سقوط خواهد کرد؛ پس باید هر چه زودتر به کمک شاور شتافت و مصر را نجات داد.»<sup>(۱۳۲)</sup>

سپاه آموری به سوی مصر حرکت کرد و در قاهره و در کرانه شرقی رودخانه نیل از جانب شاور مورد استقبال قرار گرفت.<sup>(۱۳۳)</sup> پیشنهاد شاور به صلیبی ها پرداخت چهار صد هزار دینار در دو قسط بود، مشروط بر آن که وی زودتر از سپاه زنکی مصر را ترک نکند.<sup>(۱۳۴)</sup> آموری برای اطمینان خاطر از این پیمان، «هوگ» صاحب قیساریه را به همراه فرمانده سوران معبد به نزد العاضد خلیفه خردسال فاطمی فرستاد تا رضایت او را نیز جلب کند.<sup>(۱۳۵)</sup>

رانسیمان با استناد به تاریخ نگاران پیش و معاصر جنگ ها<sup>(۱۳۶)</sup> وقایع این نبرد را شرح داده است.<sup>(۱۳۷)</sup>

شیرکوه نیز تن به مصالحه و آتش بس داد. تاریخ نگاران مسلمان و مسیحی معاصر جنگ ها مفاد آتش بس را با دو برداشت ارائه داده اند؛ ابن اثیر به عنوان نماینده تاریخ نگاری مدرسه اسلامی نوشته است: در این معاهده شیرکوه باید پنجاه هزار دینار به علاوه مناطق اشغالی را بگیرد و صلیبی ها بدون هیچ عایدی به شام بازگردند.<sup>(۱۳۸)</sup> ویلیام صوری تاریخ نگار مدرسه صلیبی بر بقای اسکندریه در دست آموری، مبادله اسیران جنگی و ترک مصر توسط سپاه شیرکوه تأکید دارد.<sup>(۱۳۹)</sup> به نظر می رسد آن که بر اصل صلح نامه تأکید می کند ابوشامه است. او معتقد است خروج دو سپاه زنکی و صلیبی از مصر، مبادله اسیران و عدم تعقیب آن دسته از مردم اسکندریه که صلاح الدین و عمویش را کمک کردند از سوی شاور، از مفاد

اصلی صلح‌نامه است.<sup>(۱۴۰)</sup> البته صلیبی‌ها به هنگام ترک مصر و بنا به تقاضای شاور، شحنگی و نگهبانی دروازه‌های قاهره را در دست نیروهای خود نگه داشتند.<sup>(۱۴۱)</sup> به این ترتیب، پایتخت فاطمیان تحت‌الحمایه صلیبی‌ها درآمد.

آموری بعد از بازگشت به بیت‌المقدس تصمیم گرفت ابتدا همراهی دولت هم‌کیش خود بیزانس را جلب نموده و سپس به مصر لشکرکشی کند. ازدواج سیاسی او با «ماری کومنن» - برادرزاده امپراتور بیزانس<sup>(۱۴۲)</sup> - زمینه‌ساز این وحدت شد.<sup>(۱۴۳)</sup> اما به نظر می‌رسید امپراتور بیزانس در ازای مشارکت در جنگ علیه فاطمیان مصر، علاوه بر غنائم، حاکمیت بعضی از مناطق را مطالبه کرده است.<sup>(۱۴۴)</sup> آموری که این زیاده‌روی امپراتور را توقع نداشت، ویلیام صوری تاریخ‌نگار دربار خود را به بیزانس فرستاد تا پیمانی منطقی ببندد.<sup>(۱۴۵)</sup> در همین زمان که نماینده آموری در بیزانس بود، پادشاه صلیبی با اصرار شوالیه‌ها به مصر حمله نمود و در طلیعه دومین ماه سال ۵۶۴هـ/نوامبر ۱۱۶۸. «بلیس» و سپس قاهره را محاصره کرد.<sup>(۱۴۶)</sup> صلیبی‌ها بلیس را که در دست فرزندان شاور بود سراسر به خون کشیدند.<sup>(۱۴۷)</sup> زمانی که قاهره در محاصره صلیبی‌ها بود به نگاه‌خبر رسید که العاضد خلیفه فاطمی که تا کنون تحریکی نشان نداده بود، از نورالدین و شیرکوه کمک خواسته و نامه‌ای بدین عبارت برای او فرستاده است: «واغوئا! واغوئا! واغوئا! الحق دین الاسلام! ادرك امة محمد عليه السلام! يا نورالدین! يا نورالدین! يا نورالدین!»<sup>(۱۴۸)</sup>

نورالدین اهمیت مصر را درک می‌کرد و معتقد بود اگر دشمن بر سرزمین مصر استیلا یابد بر سایر سرزمین‌های اسلامی نیز مستولی خواهد شد<sup>(۱۴۹)</sup>؛ لذا شیرکوه را با سپاهی بزرگ روانه مصر کرد. ورود این سپاه که به گفته مورخان مسلمان به منزله فتح جدید مصر بود<sup>(۱۵۰)</sup> عقب‌نشینی سپاه صلیبی از مصر را در پی داشت.<sup>(۱۵۱)</sup> با فرمان خلیفه فاطمی، شاور که عامل اصلی حملات دشمنان به مصر بود،

کشته شد<sup>(۱۵۲)</sup> و اسدالدین شیرکوه نیز که با لقب «المک المنصور امیرالجیوش»  
جانشین او شده و لباس وزارت را پوشیده بود پس از دو ماه و اندی مرد<sup>(۱۵۳)</sup> و  
برادرزاده اش صلاح‌الدین وزیر فاطمیان شد.<sup>(۱۵۴)</sup> آموری پس از این مرحله متوجه  
شد که غلبه بر مصر جز با همراهی دولت بیزانس امکان‌پذیر نیست. دولت بیزانس  
هم به مصر چشم طمع داشت و بر این اساس با ارسال نیروی دریایی خود به جنگ  
موافقت نموده و در اواخر سال ۱۶۹/۵۵۶۳ م. ناوگان بزرگی را به فرماندهی  
کتوس تغانوس<sup>(۱۵۵)</sup> آماده نمود. سپاه مشترک صلیبی - بیزانس در ابتدای سال  
۱۶۹/۵۵۶۵ م. دمیاط<sup>(۱۵۶)</sup> را محاصره کرد،<sup>(۱۵۷)</sup> اما پس از پنجاه روز محاصره و با  
دادن تلفات سنگین دست از محاصره دمیاط برداشته و به فلسطین بازگشت. ابن  
اثیر را در قالب مثال چنین توصیف می‌کند: «خرجت النعمامة تطلب قرنین رجعت بلا  
أذنین».<sup>(۱۵۸)</sup> با پایان جنگ، دمیاط دشمن صلیبی چشم از مصر و قلمرو فاطمیان  
برداشت و از این پس نقش فاطمیان در جنگ صلیبی خاتمه پذیرفت.

## پی‌نوشت‌ها:

۱. تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی، *السلوک لمعرفة دول الملوك*، تحقیق محمد مصطفی زیاده (قاهره، دارالکتب المصریه، ۱۹۳۴-۱۹۴۲م) ج ۱، ص ۳۳.
۲. از فرماندهان ترک در دولت البارسلان و ملکشاه بود.
3. A History of the Crusader, Pensylvania Press, 1962, p 172.
۴. وفسا جونو، *دمشق والمملكة اللاتينية فی القدس* (بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷هـ) ص ۴۷-۵۱ و دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۵۶۶.
۵. علی بن ظافر ازدی (۵۶۷-۶۲۳هـ) صاحب کتاب *اخبار الدول المنقطعة*.
۶. شهاب‌الدین احمد نویری (۶۷۷-۷۳۳هـ) صاحب کتاب *نهاية الارب فی فنون الادب*.
۷. عبدالرحمن بن خلدون تاریخ نگار مشهور مغربی صاحب کتاب *العبر و دیوان المبتدا و الخبر*.
۸. جلال‌الدین سیوطی صاحب کتاب *تاریخ الخلفاء*.
۹. جمال‌الدین البوالمحاسن ابن تغری بردی صاحب کتاب *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*.
۱۰. محمد بن عبدالکریم شیبانی (ابن اثیر جزیری)، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق علی شیری (بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸هـ) ج ۶، ص ۳۷۷.
۱۱. ریموند آگیل در کتاب خود به محاصره انطاکیه توسط صلیبی‌ها اشاره کرده و می‌گوید: «در حین محاصره سفیران پادشاه مصر در انطاکیه بودند»، ولی از زمینه و علت ورود آن‌ها به انطاکیه سخن نمی‌گوید؛ ریموند آگیل، *تاریخ الفرنجة غزاة بیت المقدس*، ترجمه حسن محمد عطیه (اسکندریه، دارالمعرفة الجامعية، ۱۹۹۰م) ص ۱۰۵.
۱۲. ویلیام صوری، *تاریخ الحروب الصلیبية*، ترجمه سهیل زکّار (دمشق، دارالفکر، ۱۹۹۴م) ج ۱، ص ۲۹۸-۲۹۷.
۱۳. رنه گروسه، *تاریخ جنگ‌های صلیبی*، ترجمه ولی‌الله شادان (تهران، نشر و پژوهش فرزاد روز، ۱۳۷۷ش) ج ۱، ص ۳۰۳.
۱۴. استیون رانسیمان، *تاریخ جنگ‌های صلیبی*، ترجمه منوچهر کاشف (چاپ سوم: تهران، شرکت انتشارات علی و فرهنگ، ۱۳۷۱ش) ج ۱، ص ۳۰۳.
15. Hamilton Gibb. The Caliphate and the Arab State, 1955, Vol 1, p. 81-98.
۱۶. *بلدة فی شرق طرابلس*؛ یاقوت بن عبدالله حموی، معجم البلدان (بیروت، داراحیاء التراث العربی،

۱۳۹۹هـ) ج ۴، ص ۱۰۹.

۱۷. ریموند آگیل، همان، ص ۱۸۷ و ویلیام صوری، همان، ص ۳۲۰.

۱۸. سعید عبدالفتاح عاشور، *شخصية الدولة الفاطمية في الحركة الصليبية*، المجلة التاريخية المصرية، قاهره، ۱۹۶۹م، ص ۱۶، ص ۶۶-۱۵.

۱۹. «و در پهنای مسجد دری است مشرقی که آن را باب‌العین گویند که چون از این در بیرون روند و به نشیبی فرو روند آن‌جا چشمه سلوان است»؛ ناصر خسرو، *سفرنامه*، به کوشش نادر وزین‌پور (تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶ش) ص ۴۸.

۲۰. ویلیام صوری، همان، ص ۴۱۵-۴۲۰.

۲۱. استیون رانسیمان، همان، ص ۳۸۶ و عارف عارف، *تاریخ القدس* (قاهره، بی‌نا، ۱۹۵۹م) ص ۲۹۲. البته ویلیام صوری به شکل مبالغه‌آمیز می‌نویسد: «حاکم فاطمی شهر اکثر ساکنان مسیحی شهر راکشت»، که واقعیت ندارد؛ همان، ص ۴۲۸.

## 22. William Embriaco.

### 23. Primus Embriaco.

۲۴. شهر کوچکی در ساحل فلسطین میان عکا و قیساریه؛ یاقوت بن عبدالله حموی، همان، ج ۵ ص ۳۷۰.

۲۵. صلاح‌الدین محمد نوار، *العدوان الصليبي على العالم الاسلامي* (اسکندریه، دارالدعوة، بی‌تا)، ص ۱۱۲.

۲۶. تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی، *اتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطميين الخلفاء*، تحقیق جمال‌الدین الشیال و محمد حملی احمد (قاهره، المجلس الاعلى على الشؤون الاسلامية، ۱۹۶۷م) ج ۳، ص ۲۳.

۲۷. حمزة بن اسد بن علی تمیمی (ابن قلاتسی)، *ذیل تاریخ دمشق*، تحقیق سهیل زکار (دمشق، دارحسان، ۱۴۰۳هـ) ص ۱۳۶.

البته سپاه افضل بیست روز بعد از سقوط قدس رسید و مجبور شد در عسقلان بماند.

۲۸. تاج‌الدین محمد بن علی بن یوسف (ابن میسر)، *اخبار مصر*، تحقیق ایمن فواد سید (قاهره، المعهد

العلمی الفرنسي للآثار الشرقية، ۱۹۸۱م) ص ۳۱؛ ابن اثیر جزری، همان، ص ۳۸۳-۳۸۴ و مجهول المؤلف، البستان الجامع لجميع تواریخ اهل الزمان، به اهتمام کلود کاهن (پاریس، مجلة الدراسات الشرقية Bulletin d'etudes orientales، ۱۹۳۸م) ج ۱، ص ۴۳۶-۴۳۷.

۲۹. ریموند آگیل، همان، ص ۲۴۷؛ فوجه چارتر، *تاریخ الحملة الى القدس*، ترجمه زیاد العسلی (عمان،

دارالشروق للنشر و التوزیع، ۱۹۹۰م) ص ۷۵ و ویلیام صوری، همان، ص ۴۳۶-۴۳۷.

۳۰. استیون رانسیمان، همان، ص ۳۷۶-۳۷۷.

۳۱. ابو محمد مرتضی عبدالسلام بن حسن فهري قيسراني (ابن طوير)، *نزهة المقلتين في اخبار الدولتين*، تحقيق ايمن فواد سيد و فرانس شتايز (اشتوتگارت، النشرات الاسلامية، ۱۹۹۲م) ص ۳؛ *خطط مقریزی*، ج ۱، ص ۴۴۳؛ ابوالمحاسن يوسف بن تغري بردی، *النجوم الزاهرة في ملوك مصر والقاهرة* (قاهرة، دارالکتب المصرية، ۱۳۷۵هـ) ج ۵، ص ۱۴۵ و یلیام صوری، همان، ص ۴۵۷.

۳۲. منطقه‌ای در شمال عسقلان.

۳۳. ابن اثیر جزری، همان، ص ۴۷۰؛ ابن میسر، همان، ص ۳۹ و ابن طویر، همان.

۳۴. ابن میسر، همان؛ ابن قلائسی، همان، ص ۱۳۷ و فوجه چارتر، همان، ص ۷۸.

۳۵. مانند ابن فرات که در کتاب *تاریخ الدول والملوک* (ج ۲، ق ۲، ورق ۵۰) می‌نویسد: «فَحَدَلَ (الافضل)

من جهة عسكرة، و علم ان السبب في ذلك من جنده»؛ نقل از: صلاح‌الدین محمد نوار، همان، ص ۱۵۰.

*خطط مقریزی*، ج ۱، ص ۴۴۳.

Oman, Charle. A History of the Art of War in the middle Ages, London, 1924, Vol I, P. 291.

Michaud (J.F). History of the Crusades, London, 1952, Vol. 1, P. 242.

۳۶. وفيات الاعيان، ج ۳، ص ۴۱۸ (در شرح حال عادل بن سائر).

۳۷. «هي من اعمال الاردن بينها وبين دمشق ثلاثة ايام و كذلك بينها وبين بيت المقدس»؛ ياقوت بن عبدالله

حموی، همان، ص ۱۷-۱۸.

۳۸. امارت الجليل یا ماوراء رود اردن؛ Trans Jordan.

۳۹. شهر کوچک ساحلی میان قیساریه و یافا. یاقوت بن عبدالله حموی، همان، ج ۱، ص ۱۰۷، ابوالفداء،

*تقویم البلدان*، ص ۲۳۹.

۴۰. صلاح‌الدین محمدنوار، همان، ص ۱۶۷.

۴۱. فایده حماد محمد عاشور، *جهاد مسلمانان در جنگ‌های صلیبی*، ترجمه عباس عرب (تهران، دفتر نشر

فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳ش) ص ۱۵۵.

۴۲. در ساحل مدیترانه نزدیک یافا؛ یاقوت بن عبدالله حموی، همان، ص ۲، ص ۳۳۲.

43. Setton, History of the Crusads, Vol. 1, P. 380.

۴۴. ابوالمحاسن یوسف بن تغری بردی، همان، ص ۱۶۷ و ابن قلائسی، همان، ص ۲۲۴-۲۲۵، ۴۵. ابن

قلائسی، همان، ص ۲۲۷؛ تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی، همان، ص ۲۶؛ ابن میسر، همان، ص ۴۰؛ *البستان*

*الجامع لجميع تواریخ اهل الزمان* (مجهول المؤلف) ص ۱۱۵ و عظیمی، *تاریخ حلب*، ص ۳۶۰.



ابن اثیر این حادثه را مربوط به سال ۴۹۶هـ دانسته است؛ (همان، ص ۴۳۲) و ابن تغری بردی مربوط به سال ۴۹۳هـ؛ (همان، ص ۱۵۲) و فوجیه چارتر مربوط به سال ۱۱۰۲م. مطابق سال ۴۹۵هـ دانسته است؛ (همان، ص ۱۲۲). رانسیمان نیز سال ۴۹۴هـ (۱۱۰۱م) را ثبت کرده است؛ (همان، ج ۲، ص ۸۴).

۴۶. Ibelin (ابلین) در جنوب غربی رمله.

۴۷. فایده حماد محمد عاشور، همان، ص ۱۶۵-۱۶۶.

۴۸. ابن میسر، همان، ص ۴۰ و *وفیات الاعیان*، ج ۲، ص ۴۵۰.

۴۹. ابن قلاسی، همان، ص ۲۲۹.

۵۰. ابن اثیر جزری، همان، ص ۴۲۲ و ویلیام صوری، همان، ص ۵۰۲-۵۰۳.

۵۱. ابن قلاسی، همان، ص ۲۳۲؛ استیون رانسیمان، همان، ج ۲، ص ۱۰۰-۱۰۱ و فایده حماد محمد عاشور، همان، ص ۱۷۰.

۵۲. ابن اثیر جزری، همان، ص ۴۲۷ و ابن میسر، همان، ص ۴۱.

۵۳. ابن قلاسی، همان، ص ۲۴۰؛ ابن میسر، همان و ویلیام صوری، همان، ص ۵۷۵.

۵۴. ابن قلاسی، همان، ص ۲۴۰-۲۴۱.

۵۵. تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی، همان، ص ۳۵.

۵۶. رنه گروسه، همان، ص ۶۹-۷۰.

۵۷. صلاح‌الدین محمدنوار، همان، ص ۱۵۰.

۵۸. Lattaquie: بندری در شمال سوریه فعلی و نزدیک طرابلس.

۵۹. استیون رانسیمان، همان، ص ۸.

## 60. Tripoli.

## 61. Raymond de Gille.

۶۲. Tortose: بندری در ساحل مدیترانه، در سوریه فعلی و نزدیک طرابلس.

۶۳. این قلعه که معروف به قلعه «سن ژیل» است و ویلیام صوری آن را «کوه حاجیان» - Mons

Pelegrinus - نامیده، با مساعدت امپراتور بیزانس آکسیوس کومنن که از حاکم بیزانسی قبرس خواسته بود

سن ژیل را کمک کند ساخته شد؛ صلاح‌الدین محمدنوار، همان، ص ۲۶۰.

## 64. William Jordon.

۶۵. نام او «ایماتوس فیلوکاس» - Eumathius Philocates - است.

۶۶. ابن اثیر جزری، همان، ۴۸۷؛ عمادالدین اسماعیل بن علی بن محمود (ابوالفداء)، *المختصر فی اخبار*

البشر، تحقیق محمود ایوب (بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۷م) ج ۲، ص ۲۲۳ و تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی، همان، ص ۴۲.

۶۷. به نام‌های *Ansaldus Embriaco* و *Hugh Embriaco*

۶۸. ابن اثیر جزری، همان، ص ۵۰۰ و البستان الجامع لجميع تواریخ اهل الزمان (مجهول المؤلف)، ص ۱۱۶. در مورد تسخیر طرابلس، در منابع تاریخی میان سال ۵۰۲ و ۵۰۳ اختلاف است.

۶۹. ابن الفرات در «تاریخ الدول المملوک» می‌نویسد: «فحزن الناس علی اهلها و بکوالمصائبها... و فزع اهل الشام قاطبة...»؛ نقل از: صلاح‌الدین محمد نوار، همان، ص ۲۸۳.

#### 70. Toulouse.

۷۱. جورجی ینی، *تاریخ سوریا* (بیروت، بی‌نا، ۱۸۸۱م) ص ۴۳۷.

۷۲. ابن اثیر جزری، همان، ص ۴۲۲.

۷۳. *Turbessel*: قلعه‌ای که تابع شهر ژها (ادسا) بود و الآن تابع منطقه جبل سمعان در استان حلب سوریه است.

۷۴. ویلیام صوری، همان، ص ۵۴۰.

۷۵. همان: *البستان الجامع لجميع تواریخ اهل الزمان* (مجهول المؤلف)، ص ۱۱۶؛ ابن قلاسی، همان، ص ۲۶۹؛ تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی، همان، ص ۴۵؛ جورجی ینی، همان، ص ۴۳۸ و صلاح‌الدین محمد نوار، همان، ص ۲۸۸-۲۸۴.

۷۶. تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی، همان، ص ۴۳ و ابن قلاسی، همان، ص ۲۶۰.

۷۷. *تاریخ الدول و المملوک*، ج ۱، ورق ۳۷؛ نقل از: صلاح‌الدین نوار، همان، ص ۲۹۰.

۷۸. نام او *Ordelafo Valerii* بود.

۷۹. ابن قلاسی، همان، ص ۲۴۷؛ ابن اثیر جزری، همان، ص ۵۰۵؛ ویلیام صوری، همان، ص ۵۴۰-۵۴۳ و *البستان الجامع لجميع تواریخ اهل الزمان* (مجمول المؤلف)، ص ۱۱۷.

#### 80. Ascalon.

#### 81. Tyre.

۸۲. فوجه چارتر، همان، ص ۲۳۶-۲۳۷.

۸۳. *Anna Comena* دختر امپراتور بیزانس.

#### 84. The Alexiad, P. 365.

۸۵. ویلیام صوری، همان، ج ۲، ص ۶۱۷.

۸۶ همان، ص ۶۱۴.

۸۷ همان، ص ۶۱۲.

۸۸ Toron: دژ تسبین (تورون) در نزدیکی صور واقع و یکی از پایگاه‌های مهم نظامی صلیبی‌ها در سال‌های بعد بوده است.

۸۹ ابن میسر، همان، ص ۴۲ و ابن قلاسی، همان، ص ۲۵۵.

۹۰ ابن قلاسی، همان، ص ۲۶۳.

۹۱ او عمومی مأمون بطائحتی بود که پس از افضل به مقام وزارت رسید؛ *البستان الجامع لجميع تواریخ اهل الزمان* (مجهول المؤلف)، ص ۱۱۹.

۹۲ ابن قلاسی، همان، ص ۲۸۹.

۹۳ *البستان الجامع لجميع تواریخ اهل الزمان* (مجهول المؤلف)، همان؛ ابن قلاسی، همان، ص ۳۳۶-۳۳۸ و فوچه چارتر، همان، ص ۲۱۶.

94. Spona Syrie.

95. Duggan (A), The Story of the Crusades, London, 1963, P. 34.

۹۶ خطط مقریزی، ج ۲، ص ۴۴.

۹۷ تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی، همان، ص ۵۰.

۹۸ ابن قلاسی، همان، ص ۲۷۵.

۹۹ همان، ص ۲۷۵-۲۷۶ و ابن اثیر جزری، همان، ص ۵۰۴.

۱۰۰ افضل با تدبیر و کیاست خود اهالی عسقلان را علیه شمس‌الخلافة شوراند و با این کار زمینه قتل او را فراهم و جانشین او را تعیین کرد؛ ابن قلاسی، همان؛ ابن اثیر جزری، همان، تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی همان، ص ۵۰-۵۱.

۱۰۱ صلاح‌الدین محمد نوار، همان، ص ۳۲۸-۳۲۹.

102. Mont Royal (Montreal).

۱۰۳ صلاح‌الدین محمد نوار، همان، ص ۳۳۲.

۱۰۴ ویلیام صوری، همان، ص ۸۱۳؛ ابوبکر عبدالله بن ایبک (ابن ایبک دواداری)، کنزالدور و جامع‌الغرر (قاهره، المعهد الالمانی للآثار، ۱۹۶۱م) ج ۶، ص ۵۶۲ و *البستان الجامع لجميع تواریخ اهل الزمان* (مجهول المؤلف) ص ۱۳۰.

۱۰۵ فرهاد دفتری، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدره‌ای (تهران، نشر و پژوهش فرزاد روز،

- ۱۳۷۵ش) ص ۳۰۹.
۱۰۶. تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی، همان، ص ۲۱۵.
۱۰۷. همان، ص ۲۳۴ و عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه، الروضتین فی اخبار الدولتین النوریة و الصلاحیه، تحقیق محمد حلمی محمد محمد (قاہرہ، لجنة التألیف و الترجمة و النشر، ۱۹۵۶م) ج ۱، ص ۳۰۳.
۱۰۸. طلائع بن زریک، دیوان، گردآوری الامینی (نیجف اشرف، المكتبة الاهلیة، ۱۳۸۳ھ) ص ۶۳-۱۴۰.
۱۰۹. ر.ک: عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه، همان، و ابن منیر طرابلسی، دیوان، به اهتمام عمر عبدالسلام تدمری (بیروت، دارالجمیل، ۱۹۸۶م) ص ۹۶، ۱۹۱، ۱۹۹ و....
۱۱۰. معین‌الدین أنس بن عبدالله از غلامان طغتنکین مؤسس سلسله بوریان بود که در سال‌های ۴۹۷-۵۴۹ در دمشق حکومت کردند.
۱۱۱. عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه، همان، ص ۱۹۰.
۱۱۲. او در سال ۴۹۲ هجری در موصل به دنیا آمد. شرح حال مختصر او در کتاب مهاجران آل ابوطالب (ص ۵۸۵) آمده است.
۱۱۳. عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه، همان، ج ۲، ص ۱۰۵.
۱۱۴. همان، ج ۱، ص ۳۰۳ و تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی، همان، ص ۲۳۴.
۱۱۵. تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی، همان، ص ۲۳۰.
۱۱۶. همان، ص ۲۳۶.
۱۱۷. ابوالمحاسن یوسف بن تغری بردی، همان، ص ۳۴۶.
۱۱۸. همان.
۱۱۹. وفاجونی، همان، ص ۲۷۷.
۱۲۰. تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی، همان، ص ۲۶۲ و ویلیام صوری، همان، ص ۸۸۵.
۱۲۱. ابوالمحاسن یوسف بن تغری بردی، همان، ص ۳۳۸ و ۳۴۶.
۱۲۲. او عموی صلاح‌الدین ایوبی است.
۱۲۳. *البيستان الجامع لجميع تواريخ اهل الزمان* (مجهول المؤلف)، ص ۱۳۴؛ ابن اثیر جزیری، همان، ج ۷، ص ۱۷۲-۱۷۳؛ ذہبی، *دول الاسلام*، ص ۲۹۱-۲۹۲ و عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه، همان، ص ۶.
۱۲۴. ابوالمحاسن یوسف بن تغری بردی، همان، ص ۳۴۵.
۱۲۵. یوسف حسن درویش غوانمه، *امارة الکوک الايوبيه* (عمان، دارالفکر، ۱۴۰۲ھ) ص ۸۶.
۱۲۶. محمد سهیل طقوش، *تاریخ الزنکیین فی بلاد الشام و اقلیم الجزیره* (بیروت، دارالنفائس، ۱۹۸۸،

۱۹۹۹م) ص ۳۳۰: نقل از ویلیام صوری.

۱۲۷. جمال‌الدین محمد بن سالم (ابن واصل)، *مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب*، تحقیق جمال‌الدین الشیال (قاهره، جامعه فؤاد الاول، داراحیاء التراث‌القدیم، ۱۹۵۳، ۱۹۵۷م)، ج ۱، ص ۱۳۹.

۱۲۸. بلیس: مدینه بینها و بین فسطاط مصر عشره فراسخ علی طریق الشام؛ یاقوت بن عبدالله حموی، همان، ج ۱، ص ۴۷۹.

۱۲۹. جمال‌الدین محمد بن سالم (ابن واصل، همان، ص ۱۴۰؛ خطط مقریزی، همان، ص ۴۷-۵۰؛ البستان الجامع لجمع تواریخ اهل الزمان (مجهول المؤلف)، ص ۱۳۵؛ عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه، همان، ج ۱، ص ۳۳۱-۳۳۷؛ عمادالدین اسماعیل بن علی بن محمود (ابوالفداء)، همان، ج ۳، ص ۴۳؛ ابن ایبک دواداری، همان، ج ۷، ص ۲۷؛ تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی، همان، ص ۲۶۴-۲۷۸ و ابوالمحاسن یوسف بن تغری بردی، همان، ص ۲۳۸.

۱۳۰. استیون رانسیمان، همان، ص ۴۲۹.

۱۳۱. عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه، همان، ص ۳۶۳ و ابن واصل، همان، ص ۱۴۸.

۱۳۲. ویلیام صوری، همان، ص ۸۹۵ و رنه گروسه، همان، ص ۱۹۸.

۱۳۳. ویلیام صوری، همان، ص ۸۹۶.

۱۳۴. همان، ص ۸۹۹.

۱۳۵. همان، ص ۸۹۹-۹۰۲.

۱۳۶. همان، ص ۹۰۶-۹۲۰؛ ابن اثیر جزری، *التاریخ الباهر فی الدولة الاتابکیه*، تحقیق عبدالقادر احمد طلیمات (قاهره، دارالکتب الحدیث، بی تا) ص ۱۳۴؛ تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی، همان، ص ۲۸۷-۲۸۹؛ *النوادر السلطانیة*، ص ۲۰۸؛ عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه، همان، ص ۳۶۴-۳۶۶ و ۴۲۸ و فتح بن علی بنداری، *سنا البرق الشامی*، تحقیق فتیحه نبرای (مصر، کتبه الخانجی، ۱۹۷۹م) ج ۱، ص ۶۴.

۱۳۷. استیون رانسیمان، همان، ص ۴۳۴-۴۳۶.

۱۳۸. ابن اثیر جزری، *الکامل فی التاریخ*، ج ۷، ص ۱۹۰.

۱۳۹. ویلیام صوری، همان، ص ۹۱۹-۹۲۰.

۱۴۰. عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه، همان، ص ۴۲۸.

۱۴۱. ابن اثیر جزری، *التاریخ الباهر فی الدولة الاتابکیه*، ص ۱۳۴؛ عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه، همان، ص ۳۶۶؛ ابن واصل، همان، ص ۱۵۲؛ تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی، همان، ص ۲۷۸ و ابوالمحاسن یوسف بن تغری بردی، همان، ص ۳۵۰.

۱۴۲. امانوئل کومنن.
۱۴۳. ویلیام صوری، همان، ص ۹۲۳؛ استیون رانسیمان، همان، ص ۴۴۲ و رنه گروسه، همان، ص ۲۰۲.
۱۴۴. ویلیام صوری، همان، ص ۹۲۶-۹۲۷.
۱۴۵. همان، ص ۹۲۷.
۱۴۶. *الجامع البستان لجميع تواریخ اهل الزمان* (مجهول المؤلف)، ص ۱۳۸؛ ابن سباط مغربی، *صدق الاخبار (تاریخ ابن سباط)*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری (طرابلس، گروس پرس، ۱۴۱۳هـ) ج ۱، ص ۱۲۰؛ رنه گروسه، همان ص ۴۰۵-۴۰۴ و هانس ابرهارد مایر، *جنگ‌های صلیبی*، ترجمه عبدالحسن شاهکار (شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۷۱ش) ص ۱۴۷.
۱۴۷. استیون رانسیمان، همان، ص ۴۴۳.
۱۴۸. ابن ابیک دواداری، همان، ج ۷، ص ۳۰؛ وی تأکید می‌کند که بر این عبارت چیزی نیفزوده و آن‌چه را نقل کرده عیناً از نامه خلیفه است.
۱۴۹. ابن واصل، همان، ص ۱۶۰.
۱۵۰. همان و *النوادر السلطانیة*، ص ۲۰۹.
۱۵۱. استیون رانسیمان، همان، ص ۴۴۵.
۱۵۲. فتح بن علی بنداری، همان، ص ۷۸؛ عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه، همان، ص ۴۳۶ و ابن اثیر جزری، *الکامل فی التاریخ*، ج ۷، ص ۱۹۹.
۱۵۳. رانسیمان در مورد شمیرکوه می‌نویسد: «نام این مرد در تاریخ تحت الشعاع آوازه خداوندیش نورالدین و برادرزاده‌اش صلاح‌الدین قرار گرفته است؛ و حال آن‌که در جمع تمام رهبران عالم اسلام فقط او بود که به فراست دریافت که به قصد بازپس گرفتن فلسطین، نخستین قدم را باید در کار تسخیر مصر برداشت، که موقعیت نظامی کم‌نظیر و منابع فراوان داشت و به رغم تردیدهای نورالدین خود هرگز از پاننشست تا بدین آرزو تحقق بخشید. ثمره تلاش‌های پی‌گیر او را برادرزاده‌اش صلاح‌الدین چید»؛ همان، ص ۴۴۶.
۱۵۴. *البستان الجامع لجميع تواریخ اهل الزمان* (مجهول المؤلف)، ص ۱۳۸؛ فتح بن علی بنداری، همان، ص ۷۹-۸۱؛ ابن واصل، همان، ص ۱۶۲ و تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی، همان، ص ۳۰۸.

## 155. Kontos tephanos.

۱۵۶. یکی از بنادر مصر در مصب رودخانه نیل.

۱۵۷. *البستان الجامع لجميع تواریخ اهل الزمان* (مجهول المؤلف)، همان؛ ابن سباط مغربی، همان، ص ۱۲۶؛ ذهبی، همان، ص ۲۹۴-۲۹۵؛ *النوادر السلطانیة*، ص ۳۳؛ فتح بن علی بنداری، همان، ص ۸۷؛ عبدالرحمن بن

اسماعیل ابوشامه، همان، ص ۴۵۶-۴۵۷؛ ابن واصل، همان، ص ۱۷۹-۱۸۳؛ ابن اثیر جزری، *التاریخ الباهر فی الدولة الاتابکية*، ص ۱۴۳-۱۴۴ و ویلیام صوری، همان، ص ۹۴۱-۹۴۲.

۱۵۸. ابن اثیر جزری، *الکامل فی التاریخ*، ج ۷، ص ۲۰۷ و *التاریخ الباهر فی الدولة الاتابکية*، ص ۱۴۴. یعنی شتر مرغ پی شاخ می گشت، گوش های خود را هم از دست داد.

### منابع:

- *تاریخ الفرنجة غزاة بيت المقدس*، ترجمه حسین محمد عطیه (اسکندریه، دارالمعرفة الجامعية، ۱۹۹۰م).
- ابن ابی الهیجا، عزالدین محمد بن ابی الهیجا ابن محمد... *تاریخ ابن ابی الهیجا*، تحقیق صحبى عبدالمنعم محمد، ریاض الصالحین، ۱۴۱۳هـ.
- ابن اثیر جزری، محمد بن محمد بن عبدالکرم شیبانی، *التاریخ الباهر فی الدولة الاتابکية*، تحقیق عبدالقادر احمد طلیمات، قاهره دارالکتب الحدیث، [بی تا].
- *الکامل فی التاریخ*، تحقیق علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸هـ.
- ابن ایاس حنفی، محمد بن احمد، *بدائع الزهور فی وقایع الدهور*، تحقیق محمد مصطفی، قاهره هیئة المصرية العامة لکتاب، ۱۴۰۲هـ جلد اول.
- ابن اَیْبَک الدَّوَادَارِی، ابوبکر عبدالله بن ابیبک، *کنز الدرر وجامع الغرر*، جزء ششم به نام «*الدرجة المضیئة فی اخبار الدولة الفاطمية*» تحقیق صلاح الدین المنجد، جزء هفتم «*الدر المطلب فی اخبار ملوک بنی ایوب*» تحقیق سعید عبدالفتاح عاشور، جزء هشتم «*الدرجة الزکمية فی اخبار الدولة التركية*» تحقیق و. هاریمان، قاهره، المعهد الالمانی للأثار، ۱۹۶۱، ۱۹۷۱، ۱۹۷۲م.
- ابن تغری بردی، ابوالمحاسن یوسف، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة*، قاهره، دارالکتب المصرية، ۱۳۷۵هـ.
- ابن جوزی، ابوالفرج بن علی بن محمد المقرشی (۱۲۰۱/۵۹۷هـ)، *المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم*، ۱-۵، حیدرآبادهند، دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۷۵-۱۳۵۹هـ (۱۹۴۰م).
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد.
- *تاریخ ابن خلدون*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳-۱۳۷۱ش.
- ابن سباط مغربی، *صدق الاخبار (تاریخ ابن سباط)*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، طرابلس (لبنان)، گروس پرس، ۱۴۱۳هـ.

- ابن الطَّوَّیر، أبو محمد المرزقی عبدالسلام بن الحسن الفهری قیسرانی، *نُزْهَةُ الْمُقْلَتَيْنِ فِي أَخْبَارِ الدُّوَلَتَيْنِ*، تحقیق ایمن فواد سید، اشتوتگارت، النشرات الاسلامیه، ۱۹۹۲م.
- ابن قاضی شُهْبَه، بدرالدین ابوالفضل محمد بن ابی بکر بن احمد اسدی دمشقی الشافعی، *الکواکب الدَّرِيه فِي السَّيْرَةِ النَّوْريه*، تحقیق محمود زاید، بیروت دارالکتب الجدید، ۱۹۷۱م.
- ابن قلانسی، حمزہ بن اسد بن علی تمیمی، *ذیل تاریخ دمشق*، تحقیق سهیل زکار، دمشق، دار حسان، ۱۴۰۳ھ.
- ابن کثیر دمشقی، *البدایة والنہایة، تحقیق شیری*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ھ.
- ابن مأمون بطانچی، جمال الدین ابوعلی موسی، *اخبار مصر*، تحقیق ایمن فواد سید، قاهره، المعهد الفرنسي للآثار، ۱۹۸۳م.
- ابن منقذ، اسامه الاعتبار، تحقیق فیلیپ حتی، - [بی جا]: الدارالمتحدة للنشر، ۱۹۸۱م.
- ابن منیر طرابلسی، *دیوان*، به اهتمام عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالجلیل، ۱۹۸۶م.
- ابن مئیسر، تاج الدین محمد بن علی بن یوسف، *اخبار مصر*، تحقیق ایمن فواد سید، قاهره، المعهد العلمی الفرنسي للآثار الشرقیه، ۱۹۸۱م.
- ابن واصل، جمال الدین محمد بن سلام، *مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب*، تحقیق جمال الدین الشیال، قاهره، جامعه فؤاد الاول، دار احیاء التراث القدیمة، ۱۹۵۳، ۱۹۵۷م.
- ابوشامه، عبدالرحمان بن اسماعیل، *الروضتین فی اخبار الدولتین النوریة والصلاحیة*، تحقیق محمد حلمی محمد محمد، قاهره، لجنة التألیف والترجمه والنشر، ۱۹۵۶م.
- ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل بن علی بن محمود، *المختصر فی اخبار البشر*، تحقیق محمود ایوب، بیروت دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۷م.
- أومان، شارل الامبراطوریة البیزنطیة، ترجمه مصطفی طه بدر، قاهره، ۱۹۵۳، ۱۹۶۰م.
- ایمن فواد، سید، *الدولة الفاطمیة فی مصر*، قاهره: [بی نا]، ۱۹۹۲.
- بنداری، فتح بن علی، *سنا البرق الشامی*، تحقیق دکتر فتحیه نبرای، مصر، مكتبة الخانجي، ۱۹۷۹م.
- پرواز، ژوزه، *عالم الصلیبیین*، ترجمه قاسم و محمد حسن خلیفه، مصر، دارالمعارف، ۱۹۸۱م.
- تدمری، عمر عبدالسلام، *تاریخ طرابلس السیاسی و الحضاری عبر العصور*، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۴ھ (۱۹۸۱، ۱۹۷۸م).
- جونی، وفا، *دمشق والمملكة اللاتینیة فی القدس*، بیروت دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۹۹۷م.



- چارت، فوجه، تاریخ الحملة الى القدس، ترجمه زیاد العسلی، عمان دارالشروق للنشر و التوزيع، ۱۹۹۰م.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بیروت داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۹هـ.
- حنلی، مجیرالدین، الانس بتاریخ القدس و الخلیل، عمان، مكتبة المحاسب، ۱۹۷۳م.
- دجانی، هادی و برهان دجانی، الصراع الاسلامي الفرنجي على فلسطين في القرون الوسطى، بیروت مؤسسه الدراسات الفلسطينية، ۱۹۹۴م.
- اسهام علماء العرب و المسلمين في علم النبات، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵هـ.
- اسهام علماء العرب و المسلمين في الكيمياء، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵هـ.
- اعلام الفيزياء في الاسلام (باهمکاری جلال شوقی)، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۴هـ.
- دفتری، فرهاد، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۵۷ش.
- رانسیمان، استیون تاریخ جنگ‌های صلیبی، ترجمه منوچهر کاشف، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۷۱ش، چاپ سوم.
- زرکلی، خیرالدین الاعلام، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۴م (چاپ ششم).
- زکّار، سهیل الحروب الصلیبیه، دمشق، دارحسان، ۱۹۸۴م.
- مدخل الى تاریخ الحروب الصلیبیه، بیروت، ۱۹۷۳م.
- صالح بن یحیی، تاریخ بیروت، تحقیق فرانسیس هورس و کمال صلیبی، بیروت دارالمشرق.
- صوری، ویلیام، تاریخ الحروب الصلیبیه، ترجمه سهیل زکّار، دمشق: دارالفکر، ۱۹۹۴م.
- طقوش، محمد سهیل تاریخ الزنکیین فی بلاد الشام و اقلیم الجزیره، بیروت، دارالفنّانس، ۱۹۸۸، ۱۹۹۹م.
- طلاّع بن زریک، دیوان، گردآوری الأمینی، بغداد، [بی‌نا]، ۱۹۶۴م.
- عارف، عارف المفصل فی تاریخ القدس، قدس، ۱۹۶۱م.
- عاشور، فایدهاماد محمد، جهاد المسلمین فی الحروب الصلیبیه، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵هـ.
- این کتاب با نام جهاد مسلمانان در جنگ‌های صلیبی توسط عباس عرب به فارسی برگردان و چاپ شده است (تهران، دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳ش).
- غوانمه، یوسف حسن درویش اماره الکوک الایوبیه، عمان دارالفکر، ۱۴۰۲هـ.
- دراسات فی تاریخ الاردن و فلسطین فی العصر الاسلامی، عمان، دارالفکر، ۱۹۸۳م.
- قاسم، قاسم عبده ماهیه الحروب الصلیبیه. - کویت: المجلس الوطني للثقافة و الفنون و الآداب، ۱۴۱۰هـ.
- گروسه، رنه، تاریخ جنگ‌های صلیبی، ترجمه ولی الله شادان، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۷۷ش.

- مایر، هانس ابرهارد *جنگ‌های صلیبی*، ترجمه عبدالحسین شاهکار، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۷۱ ش.
- مجهول المؤلف *اعمال الفرنجة و حجاج بيت المقدس*، ترجمه حسن حبشی، قاهره، ۱۹۵۸ م.
- مجهول المؤلف (حدود قرن ۱۲/۵۶ م) *البستان الجامع لجميع تواریخ أهل الزمان*، به اهتمام کلود کاهن، مجله الدراسات الشرقیة (Bulletin d'études orientats)، ج ۸۷، پاریس ۱۹۳۸ م.
- مقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی *اتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء*، تحقیق جمال‌الدین الشیال و محمد حلمی احمد، قاهره: المجلس الاعلی علی للشؤون الاسلامیة، ۱۹۶۷ م.
- *السلوک لمعرفة دول الملوک*، تحقیق محمد مصطفی زیاده. - قاهره: دارالکتب المصریة، ۱۹۳۴-۱۹۴۲ م.
- *المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار مشهور به خطط بیروت دارصادر*، [بی تا].
- ناصری طاهری، عبدالله *تاریخ جنگ‌های صلیبی*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.
- ناصری طاهری، عبدالله *علل و آثار جنگ‌های صلیبی*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- نوار، صلاح‌الدین محمد، *العدوان الصلیبی علی العالم الاسلامی (۴۹۰-۵۱۵/۸۵۷-۱۰۹۷-۱۱۲۱ م)*، اسکندریه: دارالدعوة، [بی تا].
- ینی، جورجی *تاریخ سوریا*، بیروت، ۱۸۸۱ م.
- یوسف، ژوزف *نسیم العدوان الصلیبی علی بلاد الشام*، هزیمه لویس التاسع فی الأراضی المقدسه، اسکندریه، ۱۹۷۱ م.
- یوسف، ژوزف *نسیم العرب والروم واللاتین فی الحروب الصلیبیة الاولى*، بیروت، دارالنهضة العربیة، ۱۹۸۱ م.

### منابع لاتین:

- Duggan, A, *The story of the crusades*, London, 1963.
- Michaud, JF *History des Croisades*, paris, 19571
- setton, K.M. *A History of the Crusades*: Pennsylvania, 1952-1958.